

## عنوان مقاله:

تیوری جایگاه و مبانی ارتباط اقبال با دیگر فیلسوفان جهان

## محل انتشار:

همایش بین المللی اقبال و دنیای ما (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

## نویسندگان:

سمیه موسی پور - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه غیرانتفاعی گلستان

بهنام قاسمی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

## خلاصه مقاله:

علامه محمد اقبال لاهوری فیلسوف، متذکر، رجل سیاسی، شاعر، نام دارد و نو اندیشه جهان اسلام در شهر سیالکوت از ایالت پنجاب هند به دنیا آمد. اقبال چه به عنوان عصاره تمدن ادبی و فلسفی و عرفانی ایران و نتیجه سیر طبیعی تخیل در جهان ادب فارسی معرفی شده است در تفکر فلسفی اش معتقد بود که فلسفه انسان را به ظواهر می تواند برساند حال آنکه انسان وقایع را می نمایند. باور ایشان درباره حکمت و فلسفه این بود که سزاوار نیست حکیمان اسلامی را مقلد محض فیلسوفان یونان شماریم. تاریخ تعقل حکیمان اسلامی ایران گویای کوشش خستگفصلی ناپذیر است که ایشان برای گشودن راه دشوار خود مبذول داشته اند. ایشان افلاطون را به فطرتی خوابیده توصیف می کند. شیخ محمد اقبال که در مدرسه عالی دولتی لاهور، فلسفه خواند و معلم فلسفه شد با تامل آرتولد خاورشناس انگلیسی آشنا شد که توجهش را به نقش جهان گیر اسلام گردد از دیگر سر شناسانه به نام فلسفه که ایشان در دانشگاه کمبریج در رشته فلسفه آشنا شد. مک نیگارت از هگل گرایان سرشناسی، ادوارد براون و رینولد نیکلسون از مستشرقان و وارد وایتهد نامدار بودند. اقبال از میان متفکران غرب آثار لاک، کانت، هگل، گوته، تولستوی و از شرقیان اشعار مولوی دل بستگی خاصی داشت. ایشان به عنوان متفکر مبدع و معروف فلسفه ی شخصی خود را که به قول دکتر ضیاءالدین سجادی و دکتر عبدالحسین نوایی که در اصل جرح و تعدیلی که یک شرقی از فلسفه نیچه کرده در یک مثنوی کوتاه فارسی به نام اسرار خودی بیان کرده است. از دین با عناوین شاعر مشرق و حکیم امت و مصور پاکستان و علامه یاد کرده اند.

## کلمات کلیدی:

تیوری، جایگاه، ارتباط، اقبال، فیلسوفان

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/770839>

